

تبیین و تشریح "عملیات غرور آفرین مرصاد"؛ خستی کننده توطئه های دشمن

• عملیات مرصاد چگونه شکل گرفت؟



منافقین در مرصاد به خیال خام و واهی خود قصد داشتند پس از ورود به کرمانشاه، سریع راهی تهران شده و آنجا را فتح کنند.

به گزارش روابط عمومی هواشناسی استان سمنان؛ سال ۶۷ سال سخت و پیچیده ای از لحاظ نظامی برای جمهوری اسلامی ایران شده بود. رژیم بعث عراق حملات متعدد و سنگین خود را بیشتر کرده بود. این در حالی بود که قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیرماه سال ۶۶ و برای پایان دادن جنگ بین ایران و رژیم بعث عراق به تصویب

شواری امنیت رسیده بود، اما مسئولین سیاسی و نظامی ایران به دلایل مختلفی که یکی از آنها عدم اطمینان به اجرای مفاد قطعنامه توسط دشمن و حامیانش بود، آن را نپذیرفته بودند. سرانجام پس از مذاکرات و بررسی های مختلف به خصوص بعد از شلیک ناو هواپیمابر وینسنز به هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس و کشته شدن ۲۹۰ غیرنظامی و حمله به دهلران، تصمیم بر پذیرش قطعنامه شد و روز ۲۷ تیرماه سال ۶۷ پذیرفته شد.

اما جنگ تحمیلی همانطور که حدس زده می شد، به پایان نرسید. در تیر ماه ۶۷ صدام حسین طی یک سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد: «بعد از مدتی خواهید دید که چگونه مجاهدین خلق به اعماق خاک خودشان نفوذ خواهند کرد و همین طور پیوستن مردم ایران به صفوف آن‌ها را خواهید دید.»

امام خمینی (ره) ۳۱ تیرماه به محسن رضایی، فرمانده سپاه، گفتند: «همان طور که قبلاً گفتیم ما با مردم خود با صداقت صحبت می کنیم، ما در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می کنیم و این به هیچ وجه تاکتیک نیست، ولی سلحشوران ارتش اسلام باید خود را آماده کنند که اگر دشمن دست به حملاتی زد، جواب مناسبی به آن بدهند. فرزندان انقلابی، توجه کنید که امروز روز حضور گسترده در جبهه هاست، فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است؛ خود را مسلح به سلاح ایمان و جهاد کنید. بر دشمن غدار رحم جایز نیست. این ها تمام حرف هایشان فریب است. ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجامع بین المللی نیست و ما تا قبول قطعنامه از سوی عراق جواب دشمنان اسلام را در جبهه ها خواهیم داد.» (طاهری، شهاب الدین، مروارید، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی چاپ اول)

امام (ره) به خوبی می دانستند دشمن به زودی دست از سر ما برنمی دارد و چه خوب و به موقع مردم و رزمندگان را آگاه کردند. همان روز خیر هجوم عراقی ها در جبهه جنوبی همه را غافل گیر کرد. سردار کوثری فرمانده لشکر ۲۷ که نیروهایش در خوزستان بودند و خود برای شرکت در مراسم ختم جانسین شهیدش به اصفهان رفته بود می گوید: «عراقی ها از مرز گذشتند و در جاده اهواز، خرمشهر جولان می دادند. از یک طرف به حمیدیه و حسینیه رسیدند و شش کیلومتر جلوتر یک بیمارستان صحرائی را منهدم کردند. از طرف دیگر به سمت کارون پیش آمدند.» (علیرضا لطف الله زادگان، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب یازدهم، هویزه آخرین گام های اشغالگر، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم)

رزمندگان و نیروهای مردمی به عراقی ها حمله کردند و آنها را عقب زدند. ترکیب نیروهایی که عراقی ها را عقب زدند جالب بود. عملیاتی که ما برایش پیش بینی نکرده بودیم، فقط با روح ایثارگری و خودجوش نیروها به پایان رسید.

(مرتضی منطقی، تحلیل تحولات تاریخ جنگ تبلیغاتی در دفاع مقدس)



تبیین و تشریح "عملیات غرور آفرین مرصاد"؛ خنثی کننده توطئه های دشمن

روز اول مرداد ارتش عراق به مرزهای استان ایلام حمله کرد. در شمال ایلام میمک را اشغال کردند و به ۳۰ کیلومتری شهر ایلام رسیدند. در میمک یک گردان از لشکر ۱۱ امیرالمومنین با کمک عشایر ایل های مختلف متحد شدند به عراق حمله کردند و آنها را مجبور به عقب نشینی کردند. عراقی ها تلفات دادند و این بار هم هوانیروز یار رزمندگان میمک بود. (ابوالقاسم حبیبی، اطلس آبادان در جنگ)

۲ مردادماه عراقی ها به مرزهای کرمانشاه حمله کردند و خط اول دفاعی را در آن منطقه شکستند. از سوی دیگر منافقین پس از چند عملیات نسبتا موفق روحیه گرفتند و در حال طراحی عملیاتی بزرگ بودند که می خواستند در سالگرد آغاز جنگ ۳۱ شهریور انجام دهند و به تهران برسند. پذیرش قطعنامه آنها را هم غافلگیر کرد و به تکاپو افتادند تا عملیاتشان را جلوتر بیدازند.

تحلیلشان این بود که اگر عراق هم آتش بس را بپذیرد، دیگر فرصتی برای عملیات نخواهند ماند. پس سریع فراخوان زدند، نیروهایشان از سراسر اروپا و آمریکا را به عراق بردند و برای عملیات آموزش دادند و آماده باش شدند. صدام در جلسه هماهنگی عملیات به رجوی گفت شاید این فرصتی برای نابودسازی رژیم فعلی باشد. (جلال محمدی، ستاره بدر)

صبح ۳ مرداد نیروهای سازمان در مقرشان صبحگاه گرفتند و ساعت ۶ صبح از مقرهایشان راهی مرز شدند تا بعدازظهر عملیات را شروع کنند. آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور در جبهه های جنگ است و آقای هاشمی فرمانده جنگ به کرمانشاه رفته تا با فرماندهان جبهه های غرب جلسه بگذارد و آخرین گزارش هایشان را بشنود. (روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام)

در طراحی عملیات فروغ جاویدان ماموریت هر نیرویی مشخص بود. نیرویی که اسلام آباد را می گرفت در شهر می ماند و نیروهایی که ماموریت تصرف شهرهای بعدی را داشتند بدون توقف پیش روی می کردند. منافقین سریع حرکت کردند سمت کرمانشاه. (ستاد تبلیغات جنگ، ستیز با صلح)

ستون منافقین پس از گذشتن از اسلام آباد به گردنه حسن آباد رسیدند که گروهی سپاهی با آنها درگیر شدند. منافقین آنها را به رگبار می بندند و فقط یک نفرشان زنده می ماند و برمی گردد. آن یک نفر در راه برگشت سه اتوبوس از بچه های لشکر بدر را می بیند که می خواهند به جنوب بروند. ماجرا را برای آنها می گوید و رزمندگان این اتوبوس ها نخستین رزمندگان های سازماندهی شده ای می شوند که با منافقین درگیر می شوند. عراقی ها با دشمنان ایرانی ما می جنگند و جز چند نفر باقی شهید می شوند. آنها مجاهدین خلق ایران را متوقف میکنند. (مرتضی سرهنگی، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی)

معطلی منافقین در حسن آباد فرصت خوبی می شود تا رزمندگان در تنگه چهارزبر، چند کیلومتر جلوتر از حسن آباد خط دفاعی تشکیل دهد. (محمد درودیان، جنگ، بازیابی ثبات)

جلسات فرماندهان در شهر کرمانشاه شلوغ است. آقای هاشمی جلسه را با این نتیجه به پایان برد: «خط دفاعی چهار زبر هر چه سریع تر مستحکم شود و نیروهای جدید را بفرستید آن جا، منافقین به هیچ وجه نباید از آنجا عبور کنند. با مردمی که از اسلام آباد و کرند آمده اند دقیق صحبت کنید و جمع بندی اطلاعاتشان از وضعیت منافقین در طول مسیر را به من برساند. مواظب باشید مردم در درگیری ها نباید آسیب ببینند.» (ابوالقاسم حبیبی، اطلس دشت آزادگان در جنگ)

تبیین و تشریح "عملیات غرور آفرین مرصاد"؛ خنثی کننده توطئه های دشمن

۴ مردادماه بالگردها و جنگنده های هوانیروز چند بار تجمع های منافقین را بمباران کردند، اما تاثیر زیادی در نابودی منافقین نداشت. غروب روز چهارم منافقین از گذشتن از چهار زبر ناامید شدند و نیروهای کمکی از جبهه های مختلف به کرمانشاه رسیدند. از جبهه جنوب نیروهای ۲۷ محمد رسول الله، ۴۱ تارالله و ۳۳ المهدی و لشکر تازه تاسیس ولی امر. خبر حمله منافقین به تمام شهرهای ایران رسیده بود و نیروهای کمکی و کارمندان ادارات راهی کرمانشاه شده و به منطقه آمده اند. (ابوالقاسم حبیبی، اطلس دشت آزادگان در جنگ)

فرماندهان در حال تصمیم گیری شیوه برخوردند. آنها معتقد بودند وضع منافقین روی جاده، از سرپل ذهاب تا چهارزبر، آن قدر آسیب پذیر است که می توان تمامشان را نابود کرد. بهتر است عملیاتی انجام دهیم و همه را نابود کنیم. به صورت عادی پیدا کردن این همه منافق برای وزارت اطلاعات چند سال زمان لازم دارد، حالا همه آنها با پای خود آمده اند مقابل ما، نباید بگذاریم فرار کنند. محسن رضایی به نیروهایش می گفت امروز روز دفن منافقین است و خداوند لطف کرده و در مقابل صداقت و خلوص امام در نوشیدن جام زهر منافقین را در اختیار نیروهای اسلام قرار داده است. (ابوالقاسم حبیبی، اطلس دشت آزادگان در جنگ)

صبح ۵ مرداد محاصره منافقین کامل شد و خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز نیروهای منافقین را بمباران کردند. اسرای منافقین گفته اند که بنا داشته اند از محور سنندج هم بیایند و از دو محور به طرف تهران حرکت کنند، خیلی تصمیم احمقانه است. لابد متکی به تحلیل های جاهلانه و اطلاعات ناقص چنین اشتباهی کرده اند و فرصت خوبی به وجود آمده که در اینجا آنها را منهدم کنیم و شرشان را کم کنیم. به نیروی هوایی و هوانیروز گفته شد که امروز در انهدام آنها توان کامل را به کار گیرند. (سید یعقوب حسینی، ارتش در ۸ سال دفاع مقدس)

ارتش منافقین به سختی شکست خورده بود. محسن رضایی گفت: شما شک نکنید اگر این انهدام به منافقین وارد نمی شد بلافاصله پس از پایان جنگ یکی از بزرگ ترین مشکلات امنیت ایران منافقین بودند که خدای متعال می خواست منافقین آخر جنگ بیاند به محاصره بیفتند و بیش تر آنها نابود شوند. (محمد درودیان، جنگ، بازیابی ثبات)

۵ مردادماه در تقویم تاریخ به عملیات مرصاد نام گذاری شد. دشمنان براساس یک ساده انگاری و برداشت نادرست از دفاع مقدس، می خواستند پس از ورود به کرمانشاه که به خیال خام مورد استقبال شهروندان قرار می گرفتند سریع خود را به تهران برسانند و آنجا را فتح کنند. اما نیروهای ارتش و سپاه و مردمی در کنار هم منافقین را در تنگه چهار زبر متفرق کردند و تا چندروز پس از آن در استانهای دیگر دستگیر می شدند. تنگه چهارزبر پس از این **عملیات، مرصاد** نامیده شد.

منابع:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

خبرگزاری تسنیم <https://www.tasnimnews.com>

تهیه و تنظیم: روابط عمومی اداره کل هواشناسی استان سمنان